

The Role of Mosques in Preventing Population Decline

Sayyid Mirsaleh Hosseini Jebeli¹

Received: 15/12/2020

Accepted: 10/06/2021

Abstract

The mosque and the role of the people of the mosque in guiding social activists in increasing the generation of believers is very important. Guiding the people towards the survival and increase of the pure generation will take place in the mosques. In addition to the profound impacts on social structures, population growth will depend on human factors and social actors. In the religious community, the agency of the activists is manifested in the mosques as places of worship. Meanwhile, the role of religious elites (scholars) in intellectual guidance and social behaviors is very significant, and today any social actions depend on elite role-playing. Hence, how can mosques, as a social place and the place of the emergence of ideological thinking and Islamic worldview, play a role in reducing demographic harms? To answer this question, the study has used an analytical-descriptive method that describes events and phenomena based on descriptive information. The findings of the study indicate that human factors in the elite reference groups of mosques can extract religious theories from the source of the Holy Quran and its ijthadi interpretation to orient the thought and behavior of social activists; they can also prevent population decline by explaining the multiplicity of births. Providing effective solutions in this prevention is one of the innovations of this study.

Keywords

Mosques, prevention, population, population decline.

1. Assistant Professor at Al-Mustafa University, Qom, Iran. hossini_mir@miu.ac.ir

* Hosseini Jebeli, S.M. (1400 AP). The Role of the Mosque in Preventing Population Decline. *Journal of Islam and Social Studies*, 8(32), pp. 89-118. DOI: 10.22081/jiss.2021.59555.1734

نقش مساجد در پیشگیری از کاهش جمعیت

سیدمیر صالح حسینی جبلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

چکیده

مسجد و نقش اهل مسجد در هدایت‌گری کنش‌گران اجتماعی در افزایش نسل باایمان، از اهمیت زیادی برخوردار است. هدایت مردم به سوی بقاء و از یاد نسل پاک در مساجد اتفاق خواهد افتاد. افزایش جمعیت، علاوه بر تأثیرات عمیق بر ساختارهای اجتماعی، در گروهی عوامل انسانی و کنش‌گران اجتماعی نیز خواهد بود. در جامعه دینی، عاملیت کنش‌گران، در مساجد به‌عنوان پایگاه‌های عبادی متبلور می‌شود. در این میان، نقش نخبگان مذهبی (علماء) در هدایت فکری و رفتارهای اجتماعی بسیار برجسته است و امروزه هرگونه عملکردهای اجتماعی را در گروهی نقش‌آفرینی نخبگان تلقی می‌کنند. از این روی، مساجد به‌عنوان پایگاه اجتماعی و ظهور و بروز تفکر ایدئولوژیک و جهان‌بینی اسلامی چگونه می‌توانند در کاهش آسیب‌های جمعیتی نقش‌آفرینی کنند؟ برای پاسخ به این پرسش، با روش تحلیلی-توصیفی که به شرح وقایع و پدیده‌ها، براساس اطلاعاتی که جنبه توصیفی دارد، خواهیم پرداخت. آنچه که از یافته‌های پژوهش به‌دست می‌آید حاکی از آن است که عوامل انسانی در گروه‌های مرجع نخبگانی مساجد، می‌توانند با استخراج نظریه‌های دینی از منبع قرآن کریم و تفسیر اجتهادی آن به جهت‌دهی فکری و رفتاری کنش‌گران اجتماعی پردازند و از طریق تبیین کثرت موالید، به پیشگیری از کاهش جمعیت اقدام نمایند. ارائه راه‌کارهای مؤثر در این پیشگیری از نوآوری‌های این پژوهش خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

مساجد، پیشگیری، جمعیت، کاهش جمعیت.

hossini_mir@miu.ac.ir

۱. استادیار جامعه‌المصطفی (ع)، قم، ایران.

* حسینی جبلی، سیدمیر صالح. (۱۴۰۰). نقش مساجد در پیشگیری از کاهش جمعیت. فصلنامه علمی - پژوهشی

DOI: 10.22081/jiss.2021.59555.1734

اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۳۲)، صص ۸۹-۱۱۸.

مقدمه

مکان‌های عبادی؛ از جمله مساجد از دیرباز مورد توجه مسلمانان بوده است. آداب و شعائر خاصی؛ حتی در ساخت و معماری آن در نظر گرفته می‌شود. این مکان مقدس عبادی، فضای اجتماعی مناسبی را می‌تواند در اختیار مؤمنین قرار دهد. تعاملات و گفتگوهای چهره‌به‌چهره مسلمین را افزایش دهد. آگاهی و شناخت از دیگر مؤمنین و احساس دوستی و صمیمیت را در بین آنان افزایش دهد و در حل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی کمک نماید. علاوه بر این، مسجد مهم‌ترین مکان برای ارتقای همبستگی اجتماعی بین مسلمین است. یکی از کارکردهای این فضای اجتماعی، ایفای نقش عاملیت در گسترش اندیشه‌های دینی است. ایفای نقش مبلغانه، توسط نخبگان مذهبی؛ یعنی علمای اسلام در مساجد، سبب هدایت انسان‌های مسلمان، به سوی سبک زندگی مؤمنانه، خواهد شد. مسجدیان در پرتو اثرپذیری از تبلیغات دینی به سوی رفتارهای اسلامی در مواجهه با دیگران، حرکت خواهند کرد. یکی از این تأثیرات، شیوه‌های زندگی مؤمنانه در حفظ و بقاء نسل است. بقاء نسل مؤمن، سبب می‌شود که ارزش‌های اسلامی به نسل‌های بعدی انتقال یابد و میراث مکتب اهل البیت علیهم‌السلام به دست نسل آینده برسد.

آیات قرآنی نشان می‌دهد که حتی پیامبران درباره فرزندان خود، از خدای سبحان درخواست استجاب دعا می‌کرده‌اند. حضرت ابراهیم علیه‌السلام به خدای سبحان عرض می‌کند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»؛ پروردگارا! مرا برپاکننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگارا! دعای مرا بپذیر! (ابراهیم، ۴۰) و حضرت زکریا علیه‌السلام نیز به پروردگار خویش عرض کرد: «قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما؛ که تو دعا را می‌شنوی! (آل عمران، ۳۸).

احکام الهی، توسط علمای دین در مکان‌های عبادی شرح و تفسیر می‌شود و سبب تقویت اعمال، عقاید و ایده‌های مسلمانان می‌گردد. یکی از شیوه‌های زندگی، تربیت فرزندان و تزکیه نسل آینده است. این مهم در صورتی که به‌درستی توسط نخبگان

مذهبی (علماء) شرح داده شود، در افزایش و بقاء نسل پاک، می تواند مؤثر باشد. سؤال این است، مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی و ظهور و بروز تفکر ایدئولوژیک و جهان بینی اسلامی چگونه می تواند در کاهش آسیب های جمعیتی نقش آفرینی کند؟ برای رسیدن به پاسخ، ابتدا به شرح چارچوبی پرداخته و با روش تحلیل توصیفی که به شرح وقایع و پدیده ها، براساس اطلاعاتی که جنبه توصیفی دارد، می پردازد (نادری، ۱۳۷۷، ص ۷۴) به یافته هایی دست خواهیم یافت که در آن به کارکردهای مسجد در قالب اصلاح رویکرد رفتاری مسجedian اشاره خواهد شد.

۱. مفهوم شناسی

در عصر آغازین اسلام، «مسجد» افزون بر مکان عبادت، مرکزی برای اداره حکومت نیز بوده است. پس از آن، به عنوان مدرسه نیز مورد استفاده قرار گرفت. بعدها، وقتی دارالحکومه و مدرسه ساخته شد، «مسجد» به عبادت اختصاص یافت؛ گرچه، در مواقعی از آن به عنوان مدرسه یا برای تبلیغ اعتقادات و احکام اسلام نیز استفاده می شده است. در حال حاضر نیز علاوه بر برگزاری نماز جماعت و مناسک اعتکاف، از مسجد به عنوان محلی برای تبلیغ، تعاون، رشد فرهنگی در بین تمامی مسلمانان و برگزاری مراسمات مذهبی مربوط به شهادت یا ولادت ائمه علیهم السلام استفاده می شود. همچنین، گروه های مذهبی بسیاری در سرتاسر جهان، «مسجد» را پایگاه اجتماعی خود قرار داده اند (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۱۹۹).

در نگاه اسلامی، همه ی زمین پاک بوده و سجده گاه و مسجد است. رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بیان فضیلت مسجد الحرام و مسجد الاقصی برای ابوذر، به وی فرمودند: «حَيْثُمَا أَدْرَكَتْكَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ وَالْأَرْضُ لَكَ مَسْجِدٌ؛ هر کجا وقت نمازت رسید، همانجا نماز بخوان که زمین برای تو مسجد است» (بخاری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۲۶۰؛ نووی، ۱۹۸۷م، ج ۷، ص ۳۷۰). علاوه بر این، مساجد در ادیان مختلف دارای تعاریف مختلفی است. برخی از پژوهشگران در گونه شناسی مفهومی پرستش گاه ها، به این نتیجه دست یافته اند که در مقابل «کلیسا و دیر در مسیحیت» و «کنیسه در یهودیت»، مساجد در اسلام، دارای

خصلت تشبیهی - جمالی و تنزیهی - جلالی هستند (حمزه‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۷). به هر حال، در این پژوهش مراد از مساجد، مکانی است که دارای فضای مناسب برای تجمعات عبادی و اجتماعی مسلمانان بوده و به‌عنوان مکانی پاک و مقدس برای راز و نیاز و تبلیغات اسلامی مشهور شده است.

مفهوم دیگری که در این پژوهش استفاده شد، «پیشگیری» است. پیشگیری، امروزه دارای دو بعد است: اول، جلوگیری کردن، و دوم، پیش‌دستی کردن (گل‌محمدی خامنه، ۱۳۸۷، ص ۲۳). این مفهوم در لغت، به‌معنای جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن و پیش‌بندی کردن آمده است (معین، ۱۳۸۳، ص ۹۳۳). پیشگیری، یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد و یا گروه به عمل می‌آید و برای افزایش آگاهی مردم و هشدار دادن به آنان درباره آسیب‌های احتمالی بسیار مهم است. خطر کاهش جمعیت و نبود جمعیت مناسب در جامعه ایران، توسط مبلغان دینی در مساجد می‌تواند پیشگیری شود و این مهم نیازمند تدابیری است که مساجد نیز نقش محوری خواهند داشت.

جامعه‌شناسان معتقدند؛ اگر رشد جمعیت به پایین‌تر از سطح جایگزینی برسد؛ یعنی به‌جای هر یک از پدر و مادر، حداقل دو فرزند جایگزین نشود، خطر انقراض نسل آن جامعه را تهدید می‌کند (جان ویکس، ۱۳۸۵، ص ۲۳۲). این در حالی است که رشد جمعیت در دهه ۹۰ در ایران به زیر (۱/۵) یک‌ونیم رسیده است (کازمی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۷). علاوه بر این، بحران جمعیت کلان‌شهرها، نرخ رشد جمعیت را پایین نگه می‌دارد. رشد جمعیت کشور به نرخ ۱/۳ رسیده است (Unfpa, 2013) و نیازمند پیشگیری از کاهش بیشتر است. امام کاظم علیه السلام زمانی که کشتار نسل خاندان اهل بیت علیهم السلام توسط بنی‌عباس به‌وجود آمد و جمعیت شیعیان در معرض نابودی قرار گرفت، سیاست تولید نسل را به‌عنوان پیشگیری تبلیغ می‌کردند و موجب شد که طبق این سفارش راهبردی، سپاه عظیمی در مقابل دشمن ایجاد نماید (همایون، ۱۳۹۱، ص ۴۲۰).

در شرایط کنونی جامعه ایرا اسلامی، نیازمند تبلیغات دینی مساجد برای تبیین فلسفه زندگی و مرگ و بقا نسل است که توسط نخبگان مذهبی در مکان‌های عبادی

محقق خواهد شد و این تبیین مهم‌ترین عامل پیشگیری در کاهش جمعیت است. کوال، معتقد است که یکی از پیش شرط‌های مهم در کاهش فرزندآوری، مربوط به فلسفه زندگی فرد است، او باید خودش به صورت منطقی آن را انتخاب نماید (Coale, A. & Trussell, j.1974, pp. 185-256).

۲. مناسبات نظری

یکی از مباحث اساسی در آسیب‌شناسی رفتارهای اجتماعی، کنترل و هدایت‌گری است. از این‌رو، می‌توان یکی از فعالیت‌های اصلی مسجد را نقش هدایت‌گری مسلمانان برشمرد. اطلاع‌رسانی، آموزش، تربیت و هدایت مسلمین به سوی ازدیاد جمعیت و جلوگیری و کنترل، از بحران‌هایی که در حوزه جمعیت رخ خواهد داد، از کارکردهای مسجد در جامعه دینی است. اگر جامعه اسلامی نتواند به بازتولید نسل خود پردازد و در مسیر عدم‌جایگزینی نسل قرار گیرد، به اضمحلال اجتماعی و فرهنگی نزدیک خواهد شد. بنابراین، هدایت و نظارت بر رشد جمعیت توسط اهل مسجد سبب جلوگیری از آسیب‌های جمعیتی خواهد شد. نقش هدایت‌گری و بازداري اعمال و رفتار دیگران از بروز بحران‌های اجتماعی، توسط روان‌شناسان اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. آلن لانگر (Ellen Langer)، معتقد است که حتی «توهم کنترل» بر روی عملکرد فرد تأثیرگذار است؛ یعنی زمانی که فردی، داخل اتاق است و احساس کند که از سوی دیگران، دیده می‌شود و مورد هدایت و ارزیابی قرار می‌گیرد، رفتارهای مناسب و فعالیت بیشتری در انجام آن کار از خود نشان می‌دهد (کریمی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰). بنابراین، زمانی که افراد در یک جامعه و یا گروه، احساس کنند که رفتارهای آنان توسط دیگران ارزیابی می‌شود، کارایی آنان افزایش می‌یابد. اهل مسجد، به‌عنوان ناظران مطالبه‌گر در این معادله، قرار گرفته و قادر خواهند بود که بر اساس آموزه‌های دینی که از نخبگان مذهبی (علماء) یاد گرفته‌اند، بر فعالیت‌های رفتاری خانواده و خویشاوندان، دوستان و همسایگان خود تأثیرگذار بوده و کمک زیادی در رشد و فعالیت تشویقی ازدواج و فرزندآوری نسبت به جوانان، به ایفای نقش پردازند.

با مرور بر روی نظریه‌های مطرح شده درباره جمعیت به این نتیجه می‌رسیم که اولین نظریه‌هایی که درباره جمعیت مطرح شد به فلاسفه یونان باستان مثل افلاطون و ارسطو بازمی‌گردد. تدابیر جمعیتی در دوره یونان باستان، بیشتر درصدد تشویق زادوولد بود (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۲)، اما در قرن هفده و هجده میلادی، بعد از انقلاب فرانسه، یک‌سری مکاتب جمعیتی به وجود آمد که به بهانه زیاد شدن جمعیت جهان و کمبود منابع غذایی، به دنبال ایجاد نوعی کاهش جمعیت و به زعم خود، مساوات اجتماعی بودند. به همین دلیل، نظریه مالتوس (میرزایی، ۱۳۸۵، ص ۱۴) نیز به آنها کمک کرد و در اوایل قرن بیستم، سیاست‌هایی برای کاهش جمعیت تدوین گردید. از آن زمان به بعد، این دیدگاه در بسیاری از کشورهای پروتستان‌نشین نفوذ کرده و به عنوان «نظریه مالتوسی» مطرح شد.

این در حالی است که بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان مسلمان، افزایش جمعیت را سبب رشد ایمان به خدای سبحان در جامعه دانسته و مسلمانان معتقدند که خدای سبحان از باب وجوب لطف، نعمت‌های خود را بر بندگانش نازل می‌کند؛ به شرطی که خود آنان سبب تغییر آن نشوند: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند، تغییر دهند و خدا، شنوای داناست (انفال، ۵۳).

در جهان اسلام، علاوه بر سنت و سیره پیامبر اعظم ﷺ بر کثرت اولاد، متفکرین اسلامی نیز درباره آن، نظریه‌هایی را بیان داشتند. ابن خلدون بر این باور بود که اگر جمعیت جامعه به اندازه کافی زیاد و متراکم باشد، این امکان را خواهد داشت تا از نیروی کار و نظامی خود استفاده کند (ابن خلدون، ۱۳۸۵، ص ۲۵)؛ فارابی نیز درباره افزایش جمعیت‌های انسانی اشاره می‌کند که بدون جمعیت زیاد، انسان نمی‌تواند به زندگی اجتماعی خود شکل دهد (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۰).

در ایران باستان نیز در آیین زرتشت، داشتن فرزندان زیاد از افتخارات بود و از سقط جنین اجتناب می‌کردند (کتابی، ۱۳۶۴، ص ۲۰). اما رفته‌رفته با توسعه تمدنی در ایران، درباره جمعیت نیز، سرشماری‌های زیادی انجام شد و پژوهش‌هایی درباره جمعیت‌شناسی در

دانشگاه‌ها شکل گرفت (تقوی، ۱۳۸۸، صص ۵۴-۵۵) و با پژوهش‌های سازمان ملل در ۱۹۵۸ میلادی که جمعیت‌شناسی را علم مطالعه کمی جمعیت‌های انسانی تعریف کرد که به تعداد، ساختار و تغییرات جمعیتی اشاره می‌کند (امانی، ۱۳۵۴، ص ۷۹)، این تعریف در ایران نیز مورد قبول واقع شد و در نهایت، تنظیم خانواده، جزو تدابیر جمعیتی برای توسعه قرار گرفت که دارای رویکرد کاهشی بود. این رویکرد، می‌بایست در مدتی که برای آن تعیین شد به اتمام می‌رسید، ولی چنین اتفاقی نیفتاد. اکنون مسجد و رهبران فکری آن با تبیین دیدگاه اسلامی برای اهل مسجد، قادر خواهند بود با نفوذ فکری بر توده‌های اجتماعی، رفتارهای آنان را به سوی همگرایی موردنظر در رشد جمعیت سوق دهند.

نقش نخبگان مذهبی^۱ مساجد در این شرایطی که ایران اسلامی در حال گذار از پنجره طلایی جمعیتی است، اهمیت دوچندان پیدا کرده است. مساجد، نخبگان مذهبی (علماء) را در خود جمع کرده است. افزایش آگاهی اقشار مختلف اجتماعی از تاکیدات اسلام بر تربیت نسل آینده، از کارکردهای تبلیغ مذهبی شمرده می‌شود.

در مجموع، چارچوب نظری انتخابی در این پژوهش، می‌تواند با تلفیق نظریه نخبگانی و کارکردهای آن در تبلیغات دینی مساجد، به مدل ویژه‌ای برای این پژوهش اشاره کرد، که در یک‌سو نخبگان مذهبی (علماء) و در سوی دیگر، کارکردهای تبلیغات دینی است. نخبگان، افرادی هستند که «در هر یک از شاخه‌های فعالیت بشری، بالاترین نمره را به دست آورده باشند» (کوزر، ۱۳۵۸، ص ۵۲۳). در کلام پاره‌تو، اصطلاح «نخبه»، دارای بار اخلاقی مثبت یا منفی تلقی نمی‌گردد و صرفاً مفهومی است که بر نابرابری استعداد افراد در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی دلالت دارد (باتومور، ۱۳۶۹، ص ۳). پاره‌تو، نخبگان را به دو طبقه: حاکم و غیرحاکم تقسیم می‌کند؛ نخبگان حاکم، دارای وظایف سیاسی حاکمه‌اند و مابقی افراد از برگزیدگان غیرحکومتی محسوب می‌شوند (آرون، ۱۳۷۰، ص ۴۹۴). گوی روشه، از انواع مختلفی از نخبگان نام می‌برد که از جمله آن، نخبگان مذهبی است و می‌گوید: نخبگان مذهبی «از حاکمیت و یا نفوذی

1. Elites

برخورد دارند که ناشی از ساخت‌های اجتماعی، ایده‌ها و اعتقاداتی است که ریشه در گذشته‌ای دور دارند و مبتنی بر راه و رسم سنتی طولانی‌اند» (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۲۱) و به تعبیر فیلیپ آبرامز علاوه بر اینکه آنان عاملان انسانی‌اند، عناصری هستند که تغییراتی را در ساختار جامعه ایجاد می‌کنند (Abrams, 1989, pp. 4-9). کنشگران اجتماعی نیز تحت تأثیر آن واقع می‌شوند و رفتارهای آنان با الگوپذیری تغییر می‌کند.

نخبگان مذهبی (علماء)، از راه‌های مختلف می‌توانند در کنش تاریخی مؤثر باشند که از جمله آن؛ (۱) تصمیم‌گیری (۲) الگوسازی است (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶). در تصمیم‌گیری، نخبگان به دلیل نقشی که در تصمیم‌گیری‌های درون جامعه دارند، می‌توانند در کنش تاریخی آن مشارکت داشته و به‌طور مستقیم بر جامعه اثر بگذارند؛ یعنی علماء در مساجد می‌توانند درباره تحولات جمعیتی جامعه تصمیم‌گیری نمایند و دیدگاه اسلامی را برای کنشگران اجتماعی تبیین نمایند. در الگوسازی نیز، نخبگان دارای نمادهایی از طرز تفکر، وجود و عمل هستند که بر گروه‌ها و افراد جامعه به‌واسطه الگوسازی نفوذ می‌کنند و مورد تقلید قرار می‌گیرند و دیگران خود را با آنها همانند می‌سازند. در موارد ارزشی «الگو قرار گرفتن نخبگان مبتنی بر ارزش‌هایی است که نخبگان پیشنهاد نموده و یا آنها را به‌صورت نمادی درمی‌آورند. این الگوسازی، می‌تواند براساس ارزش‌هایی که قبلاً در جامعه ارائه‌شده یا منتشرشده قرار گیرد و یا برعکس، براساس ارزش‌های نو و یا در حال ایجادشدن واقع شود. چنین ارزشی از الگوسازی بر طرح ایده‌ای کم‌وبیش متعالی قرار دارد... همانند آنچه که در مورد پیامبران یا قدیسیین مطرح است» (روشه، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷). علماء در مساجد می‌توانند، گروه اهل مسجد را به‌سوی الگوسازی اسلامی در راستای «کثرت ولود» جهت دهند. طراح‌ی الگوهای اسلامی برای خانواده مسلمان و تبیین آن در تبلیغات دینی از نقش‌های مورد انتظار گروه نخبگان مذهبی است.

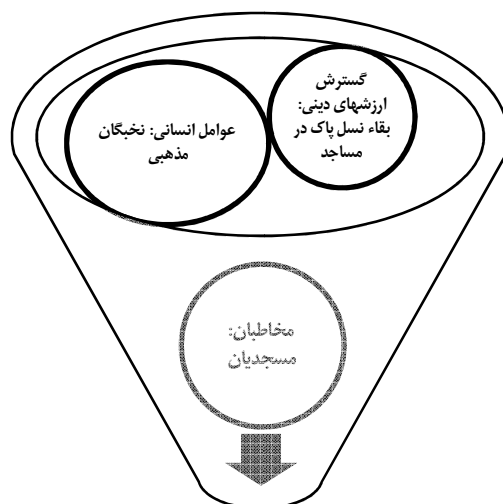
به هر حال، درباره نخبگان، تئوری‌های متعددی وجود دارد و از بین آنها، دیدگاه پاره‌تو در این پژوهش مناسب به‌نظر می‌رسد؛ زیرا در تئوری نخبگان دیگر، به تعاریفی اشاره می‌کند که در آن نخبگان را به گروه اقلیتی تعبیر می‌کند که قدرت را در جامعه

به دست می گیرند و دارای یک طبقه اجتماعی هستند (باتومور، ۱۳۶۹، ص ۹). در حالی که در این پژوهش، ما از نخبگان مذهبی نام می بریم که به صورت یک طبقه اجتماعی در جامعه بروز نکرده اند. بنابراین، منظور از نخبگان در این پژوهش اشخاص و علمای مذهبی مساجد هستند که از عوامل انسانی شمرده شده و با استفاده از توانمندی علمی و نفوذ اجتماعی خود، می توانند بر جامعه مسلمان اثرگذار باشند و با تصمیماتی که اتخاذ می کنند و یا بوسیله ایده ها، احساسات و هیجاناتی که بوجود می آورند، در کنش اجتماعی تاریخی و رشد جمعیت، از طریق تبلیغات دینی در مساجد مؤثر واقع شوند.

۳. فرضیه

مبلغان مذهبی در مساجد می توانند، براساس قواعد فقهی در برداشت از احادیث، به تبیین جامع پرداخته و با اثرگذاری در رشد جمعیت به عنوان عاملان انسانی نقش آفرینی نمایند.

۴. مدل تحلیلی نظری



رشد جمعیت ایران

۵. تحلیل یافته‌ها

در ذیل به برخی دیگر از یافته‌های پژوهشی مؤثر بر اندیشه نخبگان مذهبی در تبلیغات جمعیتی مساجد اشاره می‌کنیم. سؤالاتی در فضای اجتماعی وجود دارد که لازم است به آنها پاسخ داده شود و این مباحث کمک زیادی در رفع مشکلات جمعیتی و اقناع افکار عمومی خواهد داشت. فراهم‌سازی بسترهای مناسب تأثیرگذاری نخبگان مذهبی در رشد جمعیت در جامعه وابسته به پذیرش موضوع از نظر نخبگان است. آنان می‌توانند جریان‌های درست اجتماعی را شناخته و کنشگران اجتماعی را به آن سوی هدایت نمایند. نخبگان با طراحی علمی و الگوسازی قادر خواهند بود، در کنش اجتماعی جامعه به ایفای نقش پردازند و در صورتی که به تبیین‌های مناسب دسترسی نداشته باشند، نمی‌توانند به کنترل و اقناع فکری دیگران پردازند.

براساس آنچه گذشت، می‌توان با استفاده از نظریه نخبگان پاره‌تو و دیدگاه‌های مطرح‌شده به تحلیل داده‌های این پژوهش و نیز بررسی فرضیه و پاسخ سؤالات دست یافت. با مرور مجدد بر دیدگاه نخبگان، می‌توان به این نتیجه رسید که دادوستد فکری و فرهنگی میان علماء و مردم در مساجد، سبب اقناع اقشار مختلف جامعه می‌شود. افکار عمومی به ضرورت افزایش جمعیت پی ببرند و در عمل، این حرکت فرهنگی، به تحول در ساختار جمعیتی که از چند دهه قبل به این سو شده است، صورت پذیرد. آنچه مسلم است، این حرکت تبلیغی در مساجد که در عرصه اصلاح تفکر فرزندآوری صورت می‌گیرد، تنها از طریق عامل‌های انسانی؛ یعنی علماء به‌عنوان مدافعان ارزش‌ها و تفکرات دینی و مخالف جدی با تفکرات سکولاریزم و ماتریالیسم محقق خواهد شد (واعظی، ۱۳۷۷، ص ۵۲)؛ چراکه شرح و تفسیر شیوه‌های زندگی در میان مسلمانان، توسط نخبگان مذهبی که از عوامل انسانی شمرده می‌شوند، بر روی ساختارهای فکری و اجتماعی کنشگران، در رشد جمعیت، فرزندآوری و تربیت نسل اهل مسجد، بسیار تأثیرگذار می‌باشد. در برخی از تحقیقات به نقش و تأثیر علماء در بیان‌های ارزشی مورد نیاز جامعه و تغییر رفتار مردم اشاره شده است (رفع‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). از این‌روی، علماء به‌عنوان نخبگان مذهبی قادر خواهند بود که با «ادله اربعه» کتاب، سنت، اجماع و

عقل به این نقش پردازند و سایر تحلیل‌گران خبره مسلمان نیز با طرح تخصصی و پژوهش‌های علمی، همزمان به تبیین موضوع در مسجد پردازند.

۵-۱. سبک زندگی معنوی در بین اهل مسجد

یافته‌ها، نشان می‌دهد که مسجد با توجه به اهمیت و موقعیت آن در شهر و وظایف گسترده‌اش در امور اجتماعی، نقشی چند برابر در ساختار مدیریتی جمعیت شهری دارد. این وظایف در قالب انواع فعالیت‌های فرهنگی و خدماتی در طول تاریخ توانسته است در محورشدن مساجد نقش مهمی ایفا کند. برای مثال، آموزش‌های دینی و تامین فضاهای خدماتی، مهم‌ترین رکن شهری (مسجد) قرار دارد (قربانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱).

در شهر و روستای مسلمانان، مساجد و فضاهای وابسته به آن، به ابعاد معنوی و فکری مؤمنین می‌پردازند. در گذشته، مدارس و حوزه‌های علمیه در کنار مساجد و در صحن و حیاط مساجد ساخته می‌شدند. بسیاری از مراکز درمانی و آموزشی با مساجد و یا در کنار مساجد بودند؛ به‌نحوی که اگر به عقب بازگردیم و شهرسازی اصیل برگرفته از آموزه‌های دینی خود را بررسی کنیم، خواهیم دید که مساجد به‌واقع محور اصلی فعالیت‌های شهری در طول تاریخ اسلامی، بوده است. این همه نشان می‌دهد که به‌لحاظ محتوایی نیز مسجد باید محور بسیاری از فعالیت‌ها خصوصاً در رفع بحران‌های جمعیتی مسلمانان قرار بگیرد (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۸۰).

یکی از جاهایی که می‌تواند سبک زندگی مؤمنانه را آموزش دهد، مسجد است. مسجد در ایجاد سبک زندگی اسلامی^۱ دارای نقش اساسی است. به‌نظر می‌رسد ارتقای معنویت اهل مسجد توسط احادیث و روایاتی که مبلغ دینی در مساجد بیان می‌کند، از تأثیرگذارترین رسانه‌هایی است که در اسلام شناخته شده است. این معنویت‌خواهی در

۱. مفهوم سبک زندگی را اولین بار «آلفرد آدلر» در روان‌شناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی مطرح کرد. که مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد (Oxford, 2018, p. 742). سبک زندگی، مفهومی است که کاربردها و معانی متفاوتی دارد و گاهی جای طبقه اجتماعی را می‌گیرد (گوردون، ۱۳۸۸، ص ۶۶۱).

تمام ابعاد زندگی یک مسلمان وجود دارد. از رفتارهای تعاملی با خانواده و فرزندان گرفته تا معاشرت با مردم را در برمی گیرد. اینکه خانواده باید به تربیت نسل آینده پردازد و در حفظ نسل صالح همت گمارد، همه در معنویت‌خواهی اسلامی نهفته است؛ زیرا دنیاگرایی انسان را به سوی استفاده بیشتر از مطامع دنیوی و لذت‌اندیشی سوق می‌دهد. توجه انسان را در سبک زندگی به جای تربیت نسل، به سوی استفاده از غرائز نفسانی، بهره‌مندی از شهوات و توجه انسان را نسبت زن، تنها به سوی جنبه‌های زیبایی شناختی و فیزیولوژیک پیکره انسانی آنان متمایل می‌کند و انسان مسلمان را از هدف اصلی خلقت، به عنوان بقاء نسل و تربیت آن، به گمراهی می‌کشاند؛ در حالی که قرآن کریم می‌فرماید: «شیطان به آنها وعده‌های (دروغین) می‌دهد؛ و به آرزوها، سرگرم می‌سازد؛ در حالی که جز فریب و نیرنگ، به آنها وعده نمی‌دهد» (نساء، ۱۲۰). متکلمین زیادی درباره وجود گرایش‌های درونی انسان نسبت به رفتارهای معنوی عبادی، توحید و یکتاپرستی اشاره نمودند (مفید، ۱۳۷۲ق، ص ۲۰۱ و سبحانی تبریزی، ۱۳۷۳، ص ۲۵). فیلسوفان نیز انسان را دارای دو بُعد؛ مادی و معنوی دانسته و بر اهمیت ابعاد روحی در انسان تأکید نموده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳ و حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۷). برخی از جامعه‌شناسان؛ همانند اگوست کنت معتقدند: معنویت، دارای قدرت است و قدرت معنویت می‌تواند افراد را برای پذیرش ارزش‌های جامعه و وظایفی که به دوش آنان است، آماده سازد و در صورتی که افراد از ارزش‌های معنوی دور شوند، معنویت سبب می‌شود که به آنان یادآوری شود که رفتار خود را کنترل نمایند (مندراس، ۱۳۴۹، ص ۱۶۴)؛ زیرا با گسترش معنویت و ارزش‌های آن، یک نحوه نظارت و کنترل عمومی در جامعه به وجود می‌آید.

بنابراین، معنویت اسلامی که اهل مسجد به دنبال آن هستند، شامل تمامی عرصه‌های زندگی می‌شود و تقویت آن توسط نخبگان مذهبی می‌تواند تأثیر زیادی در تغییر نگرش و رفتار مسلمانان از سبک زندگی فردگرایانه بدون فرزند، داشته باشد. مبلغان دینی در مساجد با شرح و تفسیر کامل از سخنان اولیای الهی قادر خواهند بود که اندازه و حجم مناسب جمعیت خانواده را تبیین نمایند.

۵-۲. چگونگی تبیین سیاست‌های جمعیتی در مسجد

طبق برآورد مرکز آمار ایران و بر اساس سرشماری‌های دهه نود، رشد جمعیت ۱/۲۹ درصد است و با افزایش امید به زندگی ۷۲-۷۴ سال که شاخص رفاه و بهداشت است، در حال حرکت به سوی پیری و سال‌خوردگی جمعیت می‌باشیم. بنابراین، ضرورت دارد برای حفظ نسل، نرخ رشد جمعیت (۱/۲۹) درصد را به بالاتر از نرخ جایگزینی (۲/۱) درصد، برسانیم. این مهم با تبیین و بازنگری علماء در کارکردهای مساجد در رفع مسایل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وابسته است؛ البته عوامل گوناگونی در اعمال سیاست‌های کاهش در ایران دخالت داشته است. برخی عوامل بیرونی و برخی دیگر از عوامل درونی شمرده می‌شود. تأثیر فضای سیاست‌های تحدید موالید از سوی جهان و کمک‌های مالی و تشویق‌های جهانی برای کنترل و نیز تبلیغات و دخالت رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی خانواده هسته‌ای در ایران و نیز عقب‌ماندگی اقتصادی ایران تحت تأثیر قدرت‌های استعماری، از جمله عوامل تأثیرگذار در تدابیر کاهش جمعیت بوده است. عوامل داخلی مؤثر نیز وجود داشته است که از جمله آن، علوم انسانی مدرن غربی در ایران است؛ زیرا «نظریه مالتوس» در فضای گوناگون رشته‌های علمی اقتصادی و جمعیت‌شناسی و... به صورت قطعی تلقی شده و آموزش داده می‌شود (عرب، ۱۳۹۲، ص ۱۵۱). این نظریه، ناخودآگاه تأثیر خود را در فضای جمعیت‌شناختی ایران گذاشته است. علاوه بر این، مشکلات آموزش و پرورش، توقعات فزاینده شهرنشینان، وضعیت نابسامان اقتصادی و تلقی ناتوانی در ایجاد شغل و درآمد برای جمعیت زیاد و عواملی از این قبیل، مزید بر علت شد و چنین وانمود گردید که برای رسیدن به پیشرفت، باید جمعیت را کنترل کرد؛ به دلیل انعطاف‌پذیری در سیاست‌های جمعیتی در اسلام، نخبگان مذهبی نیز سکوت اختیار کرده و برای رفع مشکلات مذکور موقتا آن را پذیرفتند و به اهل خبره واگذار نمودند؛ به امید اینکه پس از رفع مشکل، سیاست‌های جدیدی وضع گردد، اما این تغییر سیاست اتفاق نیافتاد، تا اینکه در دهه نود به روند کاهش جمعیت جوان در ساختار جمعیتی رسیده است (اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). عالمان دینی معتقد نیستند که برای رشد و پیشرفت یک کشور اسلامی، باید به‌طور مداوم جمعیت را کاهش دهیم. کنترل جمعیت و رویکرد کاهش آن، با رسیدن به

توسعه، متفاوت است؛ زیرا انعطاف‌پذیری در سیاست‌های جمعیتی، برای حفظ نظام اسلامی و در مقام تراحم با موضوع دیگری از قبیل مرگ و میر زیاد و مشکلات آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و موارد دیگری بوده است که اهل خبره بیان کردند و در مقطع خاصی اجرا شد، اما این نحوه ایجاد محدودیت برای جمعیت، غیر از دیدگاه، کاهش جمعیت برای رسیدن به توسعه است و نیز غیر از طرح اشکال به اینکه پس، فقه امامیه در بیان احکام قطعی ناتوان است؛ زیرا در فقه پویای امامیه در احکام ثانویه، متناسب با هر عصر و مقطعی، حکم صادر می‌شود و علماء حکم اسلام را با دلایل اجتهادی و فقه‌ای برای جامعه بیان می‌کند (انصاری، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۹) و این حکم، ممکن است در زمان دیگری تغییر پیدا کند.

اکنون به این سؤال رهنمون می‌شویم که به‌راستی، مبانی و اصول سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در اسلام چیست؟ آیا سیاست‌های جمعیتی اسلام در تمام زمان‌ها و مکان‌ها مطلق و ثابت است یا با توجه به شرایط مختلف، انعطاف‌پذیر است؟ در پاسخ باید گفت؛ از منظر اسلام، سیاست‌های جمعیتی، مجموعه تدابیری است که درباره جمعیت مسلمانان در یک نظام سیاسی مطرح می‌شود و این تدابیر در عرصه‌های اجتماعی گوناگون، تغییر می‌کند و یک حکم اولیه فقهی در تمامی موارد و شرایط نیست، بلکه از احکام ثانویه‌ای است که فقهاء در شرایط استثنایی آن‌را بیان می‌کنند (حسینی‌جلی، ۱۳۹۲، ص ۵). مثل تیمم به‌جای وضوء، علاوه بر این، فرزندآوری امری مباح است و در دایره مباحات، فقهاء می‌توانند، با توجه به زمان و مکان، آن را تغییر دهند و در این‌باره براساس اختیارات ولی فقیه و شرایط جامعه عمل نمایند (حسینی‌جلی ۱۳۹۲، ص ۵)؛ یعنی احکامی که بنا به مصالح جامعه و یا ضرورت و یا برای دفع ضرر و حرج می‌تواند ولی فقیه یا حاکم شرع آن را صادر کند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۱، ص ۷۳).

از مجموع آیات و روایات^۱ در این باب چنین به‌دست می‌آید که اسلام در کنار

۱. آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که دلالت بر فرزندان فراوان دارد و زیادی فرزند را از نعمت‌های الهی شمرده است. آیات نوح آیه ۱۲ و سوره اسراء آیه ۶ و سوره انعام، ۱۴۰ بر اساس آیه سوره اعراف، ۱۸۹: «اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود!» و نیز در روایات نیز آمده است که «رزق توأم با زنان و اهل و عیال است» (حر عاملی، ۱۳۱۴ق، ج ۲۰، ص ۴۳).

رشد کمی نسل و افزایش فراوانی جمعیت مسلمین به ابعاد کیفی جمعیت نیز، به لحاظ جسمانی و معنوی توجه کامل دارد. در واقع، آنچه مستحب است، تکثیر نسلی «سالم» و «صالح» است، اما حفظ نسل و بقای آن مطابق فلسفه ازدواج در اسلام واجب کفایی است که بر آن در اسلام تأکید شده است.

آیا در نظامات گوناگون سیاسی اسلام که هر کدام برگرفته از اصول و مبانی نظام قبلی و تکمیل کننده وضعیت فعلی مسلمانان عصر غیبت است. طراحی و مهندسی جمعیتی به یک صورت بوده است؟ واقعیت این است که در جامعه نبوی، پیامبر اسلام ﷺ به افزایش جمعیت مسلمانان؛ حتی به جمعیت سقط شده آنها افتخار می کردند (مازندرانی، ۱۳۸۳ق، ج ۵، ص ۳۳۴).

این موضوع نشان دهنده افزایش کمی جمعیت از منظر اسلام است؛ علاوه بر این، در جامعه نبوی و علوی، درباره تربیت صحیح فرزندان و نحوه برخورد با آنها بسیار سفارش شده است؛^۱ یعنی جمعیت از نظر کیفی نیز مورد توجه بوده است. اکنون این سؤال پیش می آید که سیاست های جمعیتی در نظام سیاسی ولایی به چه صورت مطرح است؟ بر اساس نگاه اجتهادی در فقه امامیه، می توان سیاست جمعیتی را دارای دو ویژگی دانست: یکی، زمان بندی و دیگری مکان بندی. فتوای امام خمینی علیه السلام درباره جلوگیری از فرزندآوری، با توجه به موارد و شرایط خاصی، است. در حالی که این حکم در شرایط دیگر حرام خواهد بود.^۲ بنابراین فقها، در برهه ای از زمان می توانند با توجه به شرایطی خاص زمانی، مبتنی بر حکم ثانویه فقهی، به جلوگیری از فرزندآوری فتوا دهند، اما این بدان معنا نیست که در همه موارد و شرایط و اعصار به همین صورت باشد، بلکه فقهاء امامیه در منطقه الفراغ، مبسوط الید بوده و طبق مبانی و اصول استنباط، به تغییر حکم در

۱. روایاتی که فلسفه ازدواج و زیادی موالید را پرکردن زمین از انسان های ذاکر و تهلیل گو معرفی می کند (شیخ صدوق، ج ۳، ص ۳۸۲ و ابن بابویه، محمد ابن علی، ۱۳۵۷، ص ۳۹۵ و مازندرانی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۳ق، ج ۵، ص ۳۳۴).

۲. ر. ک به: استفتائات امام خمینی علیه السلام، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷۰ «آیا استفاده از وسایل جلوگیری از انعقاد نطفه جایز است یا نه، در جواب فرمودند که اگر موجب نقص عضو دائمی، یا نازایی دائمی و یا کشتن نطفه مستقر در رحم و نیز همراه با عمل خارجی... نباشد، اشکال ندارد».

جای دیگر نیز می‌پردازند.^۱ برای نمونه، در برهه‌ای از زمان، میزان مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال و مادران باردار در ایران اسلامی، زیاد بود (امانی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). از این روی، در ایران دهه ۶۰، آمار مرگ‌ومیر بالا، موجب نگرانی در بین متولیان سیاسی اجتماعی شد. به ادعای کارشناسان، بیشتر این کودکان به دلیل بیماری‌ها از بین می‌رفتند (وثوقی، ۱۳۷۵، صص ۳۵-۳۶). مادران، دچار سوء تغذیه بودند و تعدد باروری آنان باعث بیماری و مرگ مادران می‌شد؛ از این روی، در آن موقعیت خاص^۲، هنگامی که از امام خمینی علیه السلام به دلیل کاهش دادن مرگ‌ومیر مادران باردار، سؤال پرسیدند، ایشان درباره جلوگیری از انعقاد نطفه با شرایطی فتوا به «عدم اشکال» دادند.

نتیجه اینکه، عالمان دینی و فقهاء در مکتب اهل البیت علیهم السلام می‌توانند، در برهه‌ای از زمان، با توجه به شرایط و موقعیت جامعه اسلامی، درباره حلیت یا حرمت حکمی در شرایط خاصی فتوا دهند؛ همان‌گونه که میرزای شیرازی درباره تحریم تنباکو و استعمال توتون، فتوای به حرمت صادر کرد (اصفهان‌کی کربلایی، ۱۳۸۲، ص ۵۶). از نگاه اسلام، سیاست‌های جمعیتی، به معنای مجموعه تدابیری است که به حکم ثانویه، با توجه به زمان و مکان درباره جمعیت اتخاذ می‌شود. این دیدگاه از قدیم نیز وجود داشته است؛ اما با اینکه امام خمینی علیه السلام معتقد بودند که وسعت ایران آن قدر است که برای صدوپنجاه تا دویست میلیون جمعیت کافی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۹۳).

آیت‌الله خامنه‌ای نیز با اینکه معتقدند؛ جمعیت ایران باید به صدوپنجاه میلیون^۳ برسد، بیان کردند که کنترل جمعیت در یک مقطع خاصی مناسب بود (خامنه‌ای، ۹۱/۵/۳). به نظر

۱. به عنوان مثال، فتوای مشهور حرمت استعمال توتون توسط میرزای بزرگ شیرازی، در حالی مطرح شد که قبل از آن حکم به حلیت مطرح بود (ر.ک به: تیموری، ابراهیم: تحریم تنباکو، ص ۱۰۶).
۲. استفتاآت، ۱۳۶۶، ج ۱، در صفحه ۳ مقدمه (از دفتر انتشارات اسلامی چنین آمده است که اغلب مسائل این مجموعه (چندجلدی) در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۲ یعنی سال‌های سوم تا پنجم بعد از انقلاب اسلامی مصادف با سنوات دوم تا چهارم جنگ تحمیلی از امام خمینی علیه السلام استفتاء شده است.
۳. رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای، در سخنرانی مورخ ۹۲/۸/۶ نیز بر جمعیت ۱۵۰ میلیونی تأکید کردند و فرمودند: «حالا ما دست کم را گرفتیم، گفتیم صدوپنجاه میلیون، بیشتر هم می‌شود گفت. قطعاً این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب‌وهوایی، با این امکانات فراوان زیرزمینی، با این استعداد بالقوه علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پرجمعیتی باشد».

می‌رسد، علت مناسب بودن کنترل جمعیت در یک مقطع خاص، به فقه پویای شیعه بازمی‌گردد که بر مبنای دو مکانیسم: زمان و مکان، حکم الهی را در هر عصری، برای مردم با توجه به ادله اربعه، کتاب، سنت، اجماع و عقل (الخراسانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۵) بیان می‌کنند. اینکه چرا در وضعیت فعلی، دنبال افزایش جمعیت هستیم و لازم است در مکان‌های عبادی و مساجد به شرح آن پرداخت، بدین جهت است که، ایران اسلامی توسعه پیدا کرد و امید به زندگی افزایش یافته است (راغفر، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸) لازم است، سیاست‌های جمعیتی نیز متناسب با این شرایط طراحی شود.

۵-۳. کارکردهای مساجد در رفع آسیب‌های جمعیتی

مساجد، به‌عنوان مراکز عمومی و فرهنگی- مذهبی، با توجه به امکاناتی که دارند، دارای مهم‌ترین نقش کارکردی، در رفع بحران‌های اجتماعی هستند. از این‌روی، با شرح و تفسیر دیدگاه اسلام درباره جمعیت، می‌توان در این تجمع همیشگی عبادی، به ارتقای دانش و آگاهی افکار عمومی درباره جمعیت مسلمین پرداخت و در کاهش آسیب‌های جمعیتی اقدام کرد.

در فضای داخلی مسجد، «محراب»، نماد وجه عبادی مسجد و «منبر»، وجه آموزشی آن است. در مسجد، شاخه‌های مختلف علوم اسلامی؛ به‌ویژه قرآن، احادیث، احکام، اخلاق و عقاید آموزش داده می‌شد. تأسیس کتابخانه‌های بزرگ و معتبر در مساجد نیز مرتبط با نقش آموزشی مساجد و برخاسته از نیازهای آموزش به کتاب و کتابخانه بوده است. در کنار نقش ثابت آموزشی، مساجد به‌صورت پراکنده و غیرثابت و غیربرنامه‌ریزی‌شده از طریق مراجعه پراکنده مردم به امام جماعت و علماء یا مدرسان درس دینی نیز نقش آموزشی را ایفا کرده است (الویری، ۱۳۸۶، ص ۹۵). کارکرد عبادی و اجتماعی مساجد، نشان می‌دهد که مسجد، یک فضای مناسب برای گردهم‌آمدن مسلمانان برای تعاملات مختلف از جمله آگاهی‌بخشی، تصمیم‌گیری‌های جمعی، همکاری، آموزش و تربیت است (یوسف‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۹۱).

یکی دیگر از کارکردهای مساجد در تاریخ و تمدن اسلامی، کارکرد سیاسی آن

است. پیامبر ﷺ پایه‌های حکومت نوپای مدینه را در مسجد مدینه محکم کرد و بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی خود را در مسجد انجام داد (الویری، ۱۳۸۶، ص ۹۹). مبلغان دینی با توجه به اهمیت مسجد در شهر و وظایف گسترده آن در امور اجتماعی، می‌تواند نقش مهمی در رفع بحران‌های جمعیتی، داشته باشند و با انجام آموزش‌های دینی و تولید محتوای فرهنگی، رشد جمعیت را بهبود بخشیده و در خدمت مهم‌ترین عنصر جامعه اسلامی؛ یعنی جمعیت مسلمین به ایفای نقش بپردازد.

بنابراین، مسجد دارای کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زیادی دارد که مهم‌ترین آن نقش عاملیت انسانی؛ یعنی نخبگان مذهبی (علماء) در آگاهی‌بخشی به کنشگران اجتماعی و اهل مسجد می‌باشد. توان‌مندی نخبگان مذهبی برای اقتناع افکار عمومی و اعتماد مردم به علماء و مسجد می‌تواند در این تأثیرگذاری نقش‌آفرینی کند و در جهت رفع بحران‌های اجتماعی خصوصاً تحولات جمعیت دارای کارکرد مثبت باشد.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه گفته شد، به این نتایج دست می‌یابیم که روند کاهش جمعیت مسلمین و پیشگیری از آسیب‌های جمعیتی جامعه ایران، سبب گردید که نقش عاملیت مساجد و نخبگان مذهبی، مورد بررسی قرار گیرد. این مهم با روش تحلیل توصیفی انجام گرفت و به نقش‌آفرینی مساجد در جهت کاهش آسیب‌های جمعیتی که از سؤالات اصلی این پژوهش بود، اشاره گردید. دیدگاه‌های نظری مطرح‌شده در این پژوهش، حکایت از تأثیر انواع ایده‌ها و عقاید نخبگان مذهبی دارد. تفکر مذهبی علماء می‌تواند راه و رسم زندگی اجتماعی را برای مخاطب تشریح نماید و سبب تغییراتی در ساختار جمعیتی جامعه ایران گردد. علماء، از راه‌های مختلف به ایفای این نقش می‌پردازند؛ به‌لحاظ تصمیم‌گیری و الگوسازی می‌توانند در کنش تاریخی و اجتماعی جامعه به‌طور مستقیم مشارکت نمایند. وجود نمادهای فکری و عمل به دستورات الهی در بین علماء در مساجد، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند بر گروه‌های مختلف اجتماعی تأثیر

داشته باشد و به‌عنوان الگو مورد تقلید قرار گیرد. این الگوپذیری مخاطبان در مسجد، به‌واسطه ارزش‌هایی است که نخبگان مذهبی از دین اسلام پیشنهاد می‌نمایند و آنها را به‌صورت نمادین درمی‌آورند. آنان با بیان ایده‌ها و احساسات و هیجانات مذهبی قادر خواهند بود در پیشگیری از آسیب‌های جمعیتی در بین مسلمانان نقش آفرینی نمایند. آنچه مسلم است توجه به دیدگاه جامع و کشف آن در بین علماء است. یافته‌ها گویای آن است که علماء با توان‌مندی علمی که از بررسی آیات و روایات دارند، قادر خواهند بود بر طبق قاعده «جمع بین احادیث» عمل نمایند و با شرح و تفسیر آن به رفع مشکلات جمعیتی دست یازند و در منطقه‌الفراغ فقه امامیه از احکام ثانویه موردنظر در اصول استنباط استفاده نمایند و به تبیین حکم الهی در وضعیت موجود جامعه پردازند و به‌عنوان عاملان انسانی نخبه، به توجیه افکار عمومی نائل شوند.

همچنین آنان می‌توانند، اهل مسجد را مورد خطاب قرار داده و با تبلیغ دینی برگرفته از احکام ثانویه مربوط به مسائل مستحدثه، به تبیین نگاه جمعیتی اسلام پرداخته و با نظام تشویقی اسلام، افراد مسلمان را به تغییرات رفتاری در تربیت فرزندان تهیج نمایند و در تحولات جمعیتی نقش آفرینی نمایند. آنان از مدافعان تفکر اسلامی بوده و این نقش را، از تکالیف الهی خود می‌دانند و قادر خواهند بود ساختارهای فکری غیراسلامی را از ذهن مخاطب دور نمایند.

از دیگر یافته‌های این پژوهش، می‌توان به سیاست‌های جمعیتی مورد نظر اسلام اشاره کرد که از دو مکانیزم؛ زمان‌مندی و مکان‌بندی برخوردار است. سیاست‌های کاهشی و یا افزایشی جمعیت در اسلام، با توجه به زمان و مکان‌های مختلف، بر اساس نگرش استنباطی از قرآن، حدیث، اجماع و عقل استخراج می‌شود و به دو قسمت؛ سیاست‌های کمی و کیفی تقسیم می‌گردد. در سیاست کمی اسلام، به افزایش عددی جمعیت مسلمین می‌پردازد و در سیاست کیفی، به تربیت نسل صالح و پاک اقدام می‌نماید.

از آنجایی که مساجد در دیدگاه اسلام، محور بسیاری از فعالیت‌های مسلمانان است، به‌گونه‌ایی که رشد فیزیکی شهرها و معماری آن نیز با محوریت مساجد، به

اکمال می‌رسد. مسجد با آموزش‌های دینی و اخلاقی در زندگی تمامی اقشار اجتماعی تأثیرگذار بوده و می‌تواند به جامعه‌پذیری ارزش‌های اسلامی و انسجام اجتماعی و افزایش صمیمیت در بین مؤمنین پردازند. از این‌روی، مهم‌ترین راهکار پیشگیری از کاهش جمعیت مسلمین، این است که مسجد را تنها عبادت‌گاه تلقی نکرده و به نقش نخبگان مذهبی (علماء) توجه کرد؛ زیرا آنچه که در مسجد اتفاق می‌افتد، تنها راز و نیاز با خدا نیست، بلکه تبلیغ دینی در سبک زندگی، رفتار با خانواده، نحوه برقراری ارتباط با فرزندان و تربیت نسل آینده، توسط علماء در مساجد آموزش داده می‌شود. بنابراین، عملکردهای مسجد تنها به بعد عبادی و معنویت خاتمه نمی‌یابد، بلکه از فراکارکردهای دیگری در مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برخوردار است و در این نقش‌ها، می‌تواند به تعاون و همکاری در رفع مسایل مالی و رفع رذایل و آسیب‌های اجتماعی پردازد و «بیت‌الاسلام» مورد نظر اسلام را شکل دهد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. (شیخ صدوق) (۱۳۵۷). التوحید. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (شیخ صدوق) (۱۳۹۲ق). من لایحضره الفقیه (مصحح: علی اکبر غفاری، ج ۳، چاپ پنجم). تهران: مکتبه الصدوق.
۳. ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۴۲۱ق). سنن ابن ماجه. قاهره: جمعیه المکنز الاسلامی.
۴. ابن خلدون. عبدالرحمن (۱۳۸۵). تاریخ العبر، مقدمه ابن خلدون (مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۵. اسلامی، غلامحسین. (۱۳۹۰). ویژه‌نامه جمعیت ایران (خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرانا)، چاپ اول). تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.
۶. اصفهانی کربلایی، حسن بن علی. (۱۳۸۲). تاریخ دخانیه (مصحح: رسول جعفریان). تهران: نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. امام خمینی علیه السلام، سید روح الله. (۱۳۶۶). استفتاءات (ج ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). مجموعه آثار صحیفه نور (ج ۷). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. امانی، مهدی. (۱۳۸۳). جمعیت‌شناسی جهان. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. امانی، مهدی؛ بهنام، جمشید؛ و دیگران. (۱۳۵۴). لغت‌نامه جمعیت‌شناسی. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. انصاری، مرتضی. (۱۴۱۴ق). فرائد الاصول (محقق: عبدالله النورانی، ج ۲). قم: موسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین.

۱۲. آرون، ریمون. (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی (مترجم: باقر پرهام، چاپ دوم). تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
۱۳. باتومور، تی. بی. (۱۳۶۹). نخبگان و جامعه (مترجم: علیرضا طیب). تهران: انتشارات دانشگاه.
۱۴. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۶۶). صحیح البخاری (به کوشش: ابراهیم الیاری، ج ۳). قاهره: دارالکتاب المصری و دارالکتاب اللبنانی.
۱۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۶۱). رساله نوین: عبادت و خودسازی (ج ۱). تهران: مؤسسه انجام کتاب.
۱۶. تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۸۸)، مبانی جمعیت‌شناسی. تبریز: انتشارات آیدین.
۱۷. تیموری، ابراهیم. (۱۳۶۱). تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران. تهران: نشر امیرکبیر.
۱۸. جعفریان، رسول. (۱۳۸۲). آثار اسلامی مکه و مدینه. تهران: نشر مشعر.
۱۹. حر عاملی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). وسایل الشیعه (ج ۲۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۸۶). شرح اشارات و تنبیهات ابن‌سینا نمط سوم (فی النفس) (مصحح: جواد فاضل بخشایشی). تهران: نشر آیت اشراق.
۲۱. حسینی جلی، سید میر صالح. (۱۳۹۲). جزوه مکتوب در گفتگو با آیت‌الله اعرافی. قم: معاونت پژوهشی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. حسینی جلی، سید میر صالح. (۱۳۹۴). سیاست‌های جمعیتی و فراابورهای آن. مجله سیاست متعالیه، ۳(۱۰)، صص ۷۵-۹۴ به نقل از: www.unfpa.Org. 2013.
۲۳. حمزه‌نژاد، مهدی؛ رهروی پوده، ساناز. (۱۳۹۵). گونه‌شناسی مفهومی در پرستشگاه‌های یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در دوره صفویه اصفهان (بر اساس ویژگی‌های قدسی تنزیه، تشبیه، جمال و جلال). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۴(۱۱)، صص ۱۷-۳۸.
۲۴. خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۱۴ق). کفایة الاصول (چاپ دوم). قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. راغفر، حسین؛ موسوی، میر حسین؛ و کاشانی، زهرا. (۱۳۹۱). اثر پدیده سالمندی بر رشد اقتصادی. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، ۴(۱۰)، صص ۱۲۱-۱۳۲.

۲۶. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۹۲). توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران (چاپ سوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. روشه، گبی. (۱۳۷۶). تغییرات اجتماعی (مترجم: منصور وثوقی، چاپ هفتم). تهران: انتشارات نشر نی.
۲۸. زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۷۱). جمعیت و توسعه. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهری.
۲۹. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۷۳). بحوث فی الملل و النحل (خلاصه‌کننده: علی ربانی گلپایگانی، چاپ دوم). قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۳). الرسائل التوحیدیه. تهران: نشر دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. عرب، هادی. (۱۳۹۲). گفتگو با اندیشمندان علوم اسلامی و انسانی. در: مجموعه گفتگوهای همایش تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه (چاپ اول). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۲. فارابی، محمد بن محمد. (۱۳۷۹). اندیشه‌های اهل مدینه فاضله (مترجم: جعفر سجادی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. قربانی، رحیم. (۱۳۹۱). شاخص‌های شهرسازی و معماری اسلامی (چاپ اول). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۴. کاظمی‌پور، شهلا. (۱۳۹۰). سیاست کنترل جمعیت - ایران؛ ویژه‌نامه جمعیت ایران. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.
۳۵. کتابی، احمد. (۱۳۶۴). نظریات جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات اقبال.
۳۶. کریمی، یوسف. (۱۳۹۴). روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها (چاپ سی و دوم). تهران: انتشارات ارسباران.
۳۷. کوزر، لیوئیس. (۱۳۵۸). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناختی (مترجم: محسن ثلاثی، چاپ ششم). تهران: انتشارات علمی.
۳۸. گل محمدی خامنه، علی. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرایم. تهران: نشر جهان جام جم.

۳۹. مارشال، گوردون. (۱۳۸۸). فرهنگ جامعه‌شناسی (مترجم: حمیرا مشیرزاده). تهران: نشر میزان.
۴۰. مازندرانی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۳ق). الکافی (محمشی ابوالحسن شعرانی). تهران: مکتبه الاسلامیه.
۴۱. محمودی، محمدجواد. (۱۳۹۰). ویژه‌نامه جمعیت ایران. تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا). نشر مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.
۴۲. مظفر، محمدرضا. (بی‌تا). اصول الفقه. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۴۳. معین، محمد. (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی معین (یک جلدی بر اساس فرهنگ شش جلدی، به کوشش: واحد پژوهش و برنامه‌ریزی). تهران: انتشارات معین.
۴۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۲ق). اوائل المقالات (مصحح: ابراهیم انصاری زنجانی و دیگران). تهران: دار المفید.
۴۵. مندراس، هانری؛ گوروچ، ژرژ. (۱۳۴۹). مبانی جامعه‌شناسی (مترجم: باقر پرهام). تهران: نشر امیرکبیر.
۴۶. میرزایی، محمد. (۱۳۸۵). گفتاری در باب جمعیت‌شناسی کاربردی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۷. نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی. (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تاکید بر علوم تربیتی. تهران: انتشارات بدر.
۴۸. نووی، یحیی بن شرف. (۱۹۸۷م). صحیح مسلم (ج ۷-۸). بیروت: دارالکتب العربی.
۴۹. واعظی، احمد. (۱۳۷۷). انسان از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات سمت.
۵۰. وثوقی، منصور. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: انتشارات کیهان.
۵۱. الویری، محسن. (۱۳۸۶). مسجد، توسعه و ارتباطات پایدار. نامه صادق، (۳۱)، صص ۹۳-۱۱۰.
۵۲. ویکس جان، رابرت. (۱۳۸۵). جمعیت: مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات (مترجم: الهه میرزایی). تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۵۳. همایون، محمدهادی. (۱۳۹۱). تاریخ تمدن و ملک مهدوی (چاپ اول). تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۵۴. یوسف‌زاده، حسن؛ ترکی، هادی. (۱۳۹۵). درآمدی بر الگوی روابط همسایگی در اسلام و الزامات آن در شهرسازی و معماری اسلامی (چاپ اول). قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

55. Abrams, Philips. (1989). *Historical Sociology*, London, New York.

56. *Oxford Advanced American Dictionary*. (2018). A dictionary for learners of American English. Oxford University Press.

57. Coale. A. and trussell. j. (1974). *Model Fertility Schedules Variations in the Age Structure of Child Bearing in Human Population*, pp. 185-256.

References

* The Holy Quran

1. Aaron, Raymond. (1370 AP). *Basic stages of thought in sociology*. (B. Parham, Trans.). (2nd ed.). Tehran: Islamic Revolution Education Publications. [In Persian]
2. Abrams, Philips. (1989). *Historical Sociology*, London, New York.
3. Alviri, M. (1386 AP). Mosque, development, and sustainable communication. *Sadegh Letter*, (31), pp. 93-110. [In Persian]
4. Amani, M. (1383 AP). *World Demography*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
5. Amani, M., & Behnam, J. et al. (1354 AP). *Dictionary of Demography*. University of Tehran Press. [In Persian]
6. Ansari, M. (1414 AH). *Fara'id al-Usul*. (A. Al-Noorani. Ed.). (vol. 2). Qom: Islamic Publishing Institute of the Teachers Association. [In Arabic]
7. Arab, H. (1392 AP). Conversation with Islamic and humanities thinkers. Proceedings of the Conference on Demographic Change and its role in various developments of the society. (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
8. Batomor, T. B. (1369 AP). *Elites and society*. (A. Tayeb, Trans.). Tehran: Daneshgah Publications. [In Persian]
9. Biazar Shirazi, A. (1361 AP). *New treatise: Worship and self-improvement*. (Vol. 1). Tehran: Anjam Ketab Institute. [In Persian]
10. Bukhari, M. (1987 AP). *Sahih Al-Bukhari* (Ibrahim Al-Abiari, vol. 3). Cairo: Dar al-Kitab al-Misri va Dar al-Kitab al-Lobnani. [In Persian]
11. Coale. A. and trussell. j. (1974). *Model Fertility Schedules Variations in the Age Structure of Child Bearing in Human Population*, pp. 185-256.
12. Eslami, Q. (1390 AP). *Special issue of population of Iran*. (Islamic Republic News Agency (Irana), (1st ed.). Tehran: Publication of the Iranian Press Cultural Institute. [In Persian]
13. Farabi, M. (1379 AP). *Thoughts of the people of Medina*. (J. Sajjadi, Trans.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

14. Ghorbani, R. (1391 AP). *Standards of Islamic urban planning and architecture*. (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
15. Golmohammadi Khamenei, A. (1387 AP). *Crime prevention*. Tehran: Jame Jam Publications. [In Persian]
16. Hamzehnejad, M., & Rahroui Poodeh, S. (1395 AP). Conceptual typology in the temples of Jews, Christians and Muslims in the Safavid period of Isfahan (based on the sacred characteristics of purification, simile, beauty and glory). *Quarterly Journal of Islamic Architecture Research*, 4(11), pp. 17-38. [In Persian]
17. Hassanzadeh Amoli, H. (1386 AP). *Explanation of Ibn Sina's allusions and punishments, the third trend (fi al-Nafs)*. Tehran: Ayatollah Ishraq Publications. [In Persian]
18. Homayoun, M. H. (1391 AP). *History of Mahdavi Civilization and Property*. (1st ed.). Tehran: Imam Sadegh University, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Research Institute of Culture, Arts and Communications. [In Persian]
19. Hor Ameli, M. (1414 AH). *Wasa'il al-Shia*. (vol. 21). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
20. Hosseini Jebeli, S. A. (1392 AP). Written pamphlet in conversation with Ayatollah A'rafi. Qom: Research Deputyship of Imam Khomeini Educational Research Institute. [In Persian]
21. Hosseini Jebeli, S. M. (1394 AP). Demographic policies and their superstitions. *Journal of Transcendental Politics*, 3(10), pp. 75-94, from: www.unfpa.org. 2013. [In Persian]
22. Ibn Babouyeh, M. (1392 AH). *Man la Yahzar al-Faqih*. (A. A. Ghaffari, Ed.), vol. 3, (5th ed.). Tehran: Maktabah al-Sadiq. [In Arabic]
23. Ibn Babouyeh, M. (Sheikh Saduq). (1357 AP). *Al-Tawhid*. Qom: Seminary Teachers Association. [In Persian]
24. Ibn Khaldoun, A. (1385 AP). *Tarikh al-Ibr, introduction by Ibn Khaldun* (M. Parvin Gonabadi, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

25. Ibn Mujahid, M. (1421 AH). *Sunan Ibn Majah*. Cairo: Jam'iah al-Maknaz al-Islamiyah. [In Arabic]
26. Imam Khomeini, S. R. (1366 AP). *Istifta'at*. (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Persian]
27. Imam Khomeini, S. R. (1378 AP). A Collection of Sahifa Noor (Vol. 7). Tehran: Imam Khomeini's Works Preparation and Publications Institute. [In Persian]
28. Isfahani Karbalaee, H. (1382 AP). *Tarikh Dokhaniah*. (R. Jafarian, Ed.). Tehran: Islamic Revolution Documents Center Publications. [In Persian]
29. Jafarian, R. (1382 AP). *Islamic works of Mecca and Medina*. Tehran: Mash'ar Publication. [In Persian]
30. Karimi, Y. (1394 AP). *Social Psychology, Theories, Concepts, and Applications*. (32nd ed.). Tehran: Arasbaran Publications. [In Persian]
31. Kazemipour, S. (1390 AP). *Population Control Policy - Iran*; Special issue of Iran Population. Islamic Republic News Agency (IRNA), Tehran: Publication of the Iranian Press Cultural Institute. [In Persian]
32. Ketabi, A. (1364 AP). *Demographic Theories*. Tehran: Iqbal Publications. [In Persian]
33. Khorasani, M. K. (1414 AH). *Kifayat al-Usul*. (2nd ed.). Qom: Islamic Publications Institute. [In Arabic]
34. Kozer, Lewis. (1358 AP). *Life and Thought of Sociological Elders*. (M. Thalasi, Trans.). (6th ed.). Tehran: Scientific Publications. [In Persian]
35. M, Henry., & Gurovich, G. (1349 AP). *Fundamentals of Sociology*. (B. Parham, Trans.). Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
36. Mahmoudi, M. J. (1390 AP). *Special issue of Iran Population*. Tehran: Islamic Republic News Agency (IRNA). Publication of Iran Cultural Press Institute. [In Persian]
37. Marshall, Gordon. (1388 AP). *Sociological Culture*. (H. Moshirzadeh, Trans.). Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
38. Mazandarani, M. (1383 AH). *Al-Kafi*. (A. Sha'rani, Ed.). Tehran: Maktabah al-Islamiyah. [In Arabic]

39. Mirzaei, M. (1385 AP). *A Discourse on Applied Demography*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
40. Moein, M. (1383 AP). *The Persian Dictionary of Moein*. (One-volume based on six-volume dictionary, unit of research and planning). Tehran: Moein Publications. [In Persian]
41. Mufid, M. (1372 AH). *Awa'el al-Maqalat*. (E. Ansari Zanjani et al. Trans.). Tehran: Dar Al-Mufid. [In Arabic]
42. Muzaffar, M. R. (n.d.). *Usul Fiqh*. Beirut: Mu'asisah al-A'almi le al-Matbu'at.
43. Naderi, E., & M. Seif Naraghi. (1377 AP). *Research methods and how to evaluate it in humanities with emphasis on educational sciences*. Tehran: Badr Publications. [In Persian]
44. Nowi, Y. (1987). *Sahih Muslim* (vol. 7-8). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabiya.
45. *Oxford Advanced American Dictionary*. (2018). A dictionary for learners of American English. Oxford University Press.
46. Rafi'ipur, F. (1392 AP). *Expansion and Contradiction: An Attempt to Analyze the Islamic Revolution and the Social Problem of Iran*. (3rd ed.). Tehran: Intishar company. [In Persian]
47. Raghfar, H., & Mousavi, M., & Kashani, Z. (1391 AP). The effect of aging on economic growth. *Journal of Social Cultural Knowledge*, 4(10), pp. 121-132. [In Persian]
48. Roche, Gay. (1376). *Social changes*. (M. Vosoughi, Trans.). (7th ed.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
49. Sobhani Tabrizi, J. (1373 AP). *Bohouth fi al-Milal va al-Nahl*. (Summary: A. Rabbani Golpayegani). (2nd ed.). Qom: Islamic publications affiliated with the community of teachers of the seminary of Qom. [In Persian]
50. Tabatabaei, M. H. (1373 AP). *Al-Risa'il al-Tawhidiah*. Tehran: Islamic Publications Office. [In Persian]
51. Taqavi, N. (1388 AP), *Fundamentals of Demography*. Tabriz: Aydin Publications. [In Persian]
52. Teymouri, E. (1361 AP). *Tobacco boycott is the first negative resistance in Iran*. Tehran: Amirkabir Publications.

53. Vosoughi, M. (1375 AP). *Rural Sociology*. Tehran: Kayhan Publications. [In Persian]
54. Waezi, A. (1377 AP). *Man from the perspective of Islam*. Tehran: Samt Publications. [In Persian]
55. Wicks John, Robert. (1385 AP). *Population: An Introduction to Concepts and Topics* (E. Mirzaei, Trans.). Tehran: Higher Institute for education and research of management and Planning. [In Persian]
56. Yousefzadeh, H., & Turki, H. (1395 AP). *An Introduction to the Pattern of Neighborhood Relations in Islam and Its Requirements in Islamic Urban Planning and Architecture*. (1st ed.). Qom: Imam Khomeini Educational & Research Institute Publications. [In Persian]
57. Zanjani, H. (1371 AP). *Population and development*. Tehran: Urban Studies and Research Center Publications. [In Persian]